



داور دستور اجرای رای داور را صادر می کند. البته این اقدام در وقت اداری و فوق العاده دادگاه صورت می گیرد و دادگاه وقت مشخصی برای آن تعیین نمی کند.

معمولاً پس از صدور و ابلاغ رای داور طرفین اختلاف به رای داور تمکین می کنند یا حد اقل با توجه به رای صادره از بابت موضوع دعوی بین خود مصالحه کرده و کار به صدور و تعقیب عملیات اجرایی نمی کشند، ولی به هر حال اگر محکوم علیه با ابلاغ حکم و اطلاع از مفاد رای آن را جدی نگیرد و مسلماً ابلاغ اجرائیه حاکی از اقدامات قهر آمیز محکوم له جهت استیفای حقوق خود است و با این اخطار جدی محکوم علیه به فکر اجرای فوری رای داور می افتد؛ بنابراین، اگر محکوم علیه بخواهد مواجهه با قوه قهری دولت نشود باید در مقام جلب رضایت محکوم له به هر طریق ممکن برآید و ماده ۳۴ ق.ا.ا.م نیز تکلیف محکوم علیه را پس از ابلاغ اجرائیه معین ساخته و مقرر داشته است: «همین که اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ شده محکوم علیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد و در صورتی که خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت مزبور صورت جامع دارایی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صراحتاً اعلام نماید.»

منظور از ترتیب پرداخت محکوم به در این ماده توافق با محکوم له در جهت نحوه اجرای مفاد اجرائیه است. اجرای حکم بستگی به درخواست محکوم له دارد و با گذشت ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه و عدم اجرای کامل مفاد آن مأمورین اجرا به ترتیب مقرر در قانون اجرای احکام مدنی از طریق توقیف و فروش اموال و دارایی های محکوم علیه نسبت به اجرای مفاد ورقه اجرائیه صادره بر اساس رای داور و استیفای حقوق محکوم له اقدام خواهند کرد که در این صورت محکوم علیه موظف است، علاوه بر تادیه محکوم به هزینه ای هم به عنوان حق الاجرا بپردازد.

شیوه عملی درخواست ابلاغ و اجرای رای داور

هرگاه دعوی از طریق دادگاه به داوری ارجاع شده باشد پس از رسیدن رای داور مدیر دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوی به داوری به امر رئیس دادگاه اصل رای را بایگانی و رونوشت گواهی شده آن را برای ابلاغ به اصحاب دعوا می فرستد. به عبارت دیگر در این خصوص داور مستقیماً رای خود را تحویل دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری می کند و مشکل خاصی از لحاظ موضوع به نظر نمی رسد. لیکن موضوع اصلی بحث ما اینست که اگر موضوعی در خارج از دادگاه به داوری ارجاع و داور نیز رای خود را اعلام کند مسائل ذیل در خصوص درخواست ابلاغ و اجرا مطرح است: پرسش این است که آیا درخواست ابلاغ و اجرا باید به صورت دادخواست و توأم با ابطال تمبر هزینه دادرسی باشد یا نه؟

در پاسخ باید گفت که تقاضای ابلاغ و اجرای رای داور دعوی مستقلی نیست که نیازی به رسیدگی های ماهوی داشته باشد بلکه درخواستی معمولی است که دادگاه در وقت فوق العاده به آن رسیدگی و دستور لازم را صادر می کند و لذا نیازی به تقدیم دادخواست و ابطال هزینه دادرسی ندارد

اکثریت قضاات دادگاه های حقوقی ۲ تهران نیز در تاریخ ۲ / ۱۱ / ۶۵ راجع به این مساله ضمن تایید مراتب فوق نظر مشورتی خود را به شرح ذیل اعلام کردند: «درخواست ابلاغ و اجرای رای داور که اساساً در خارج از دادگاه صادر شده باشد مطابق قانون آ.د.م بلامانع است و برای این تقاضا نیازی به تنظیم دادخواست و الصاق تمبر هزینه دادرسی نیست و درخواست مذکور از دادگاهی باید به عمل آید که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوی را دارد.»

پرسش بعدی این است که درخواست ابلاغ و اجرا از ناحیه چه کسی باید صورت گیرد؟ داور یا طرفین؟

رویه معمول این است که داوران منتخب پس از قبول داوری جلساتی جهت بررسی موضوع و رسیدگی به ادله طرفین تشکیل و پس از استماع اظهارات و دلایل اصحاب دعوا راه حل منصفانه ای که نزدیک به دیدگاه طرفین و قابل تحمل برای آنان باشد ارائه می کنند و اکثراً موضوع داوری با تنظیم صلحنامه ای در این مرحله خاتمه می یابد و کار به صدور رای و ابلاغ و اجرای آن از طریق مراجع قضائی نمی انجامد، ولی در مواردی که موفق به ایجاد صلح و سازش بین اصحاب دعوا نشود مبادرت به صدور رای می کند که در این صورت نسخه ای از رای خود را در اختیار طرفین اختلاف یا حد اقل محکوم له پرونده قرار می دهد و معمولاً ذینفع یا محکوم له داوری تقاضای ابلاغ آن را از دادگاه صالحه می کند.

همچنین ممکن است داور راساً ضمن تحویل رای خود به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد از دادگاه مذکور تقاضای ابلاغ رای خود را بکند که در این صورت مدیر دفتر دادگاه به دستور رئیس دادگاه ضمن بایگانی کردن اصل رای، نسخه ای از آن را به اصحاب دعوا ارسال خواهد کرد. به نظر می رسد، درخواست ابلاغ رای به وسیله داور از دادگاه مذکور موافق قوانین موضوعه بوده و هیچ گونه مغایرتی با قانون آیین دادرسی مدنی نداشته باشد، علی الخصوص در مواردی که طرفین اختلاف چنین

تکلیفی را در قرارداد داوری برای داور پیش بینی کرده باشند.

به هر حال صدور اجراییه صرفاً به درخواست طرف ذینفع است و داور حق درخواست صدور ورقه اجرایی علیه شخصی که رای وی را به مورد اجرا نگذاشته، ندارد.

به عنوان جمع بندی باید گفت، نحوه اجرای داوری در حقوق ایران از طریق صدور اجراییه توسط محکوم له از دادگاهی است که موضوع را به داوری ارجاع داده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد. در صورتی که محکوم علیه از اجرای مفاد رای امتناع نماید، محکوم له می تواند اجرای رای را طبق قانون اجرای احکام مدنی و قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی دنبال کرده و از تضمینات قانونی برای اجرای احکام مدنی بهره مند شود.